

«کمک سازمان ملل متعدد برای مقابله با افزایش جمعیت در ایران»

نرخ رشد جمعیت در ایران فقط در سال ۱۹۸۵ بین ۳/۲ تا ۳/۹ درصد بوده است که در جهان از زمرة بالاترین نرخ های رشد است! اکنون ۴۰٪ جمعیت ۶۰ میلیونی ایران را متولید پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ تشکیل می دهد.

بعد از انقلاب، کنترل جمعیت و جلوگیری از بارداری را حرام اعلام نمودند و به اندیشه خود کوشش کردند تا به این وسیله بر تعداد «امت اسلامی» و «سرپازان امام خمینی» بیفزایند. این نوع سیاست ارتقایعی، نتایج عولناک اجتماعی بیار آورده است. بر طبق آمار تقدیرات کهنه، منسخ و واپس مانده خود، بلافاصله ادامه در ص ۷



اگان مرکزی مرتب توده ایران

شماره ۳۳۴، دوره هشتم
سال یازدهم، ۱۱ مرداد ۱۳۷۳

آیا صحت دارد؟

ص ۷

چماق فقه بر سر فیلم سازان و صنعت و سینما

روزنامه «کیهان» که در فحاشی، پرونده سازی و قسری گری کور شهرت ویژه ای بهم زده است به تازگی چند مقاله درباره فیلم های کارگردانان خوش ذوق ایرانی انتشار داده است. این روزنامه اخیراً در مقاله ای که در واقع توصیه و استمدادی از وزیر ارشاد اسلامی است، انگشت اتهام خود را متوجه صنعت سینما و هنرمندان این عرصه نموده است. بویژه گفتنی است که لبه تیز حملات این ارگان توطه گر متوجه چند کارگردان برجسته میهن ماست که ساخته های آن ها در سالیان اخیر توجه صاحب نظران جهانی سینما را جلب کرده است. به رغم این نشانه، فیلم های کارگردانان موفق ایران: «پراز نیش و کنایه وادا و اصول و توہین و تحریف شونات و اصول نظام جمهوری اسلامی است». «کیهان» می نویسد: «غالب این فیلم ها که با هزینه بنیادها و سازمان های دولتی بویژه بنیاد فارابی تهیه می شود دفاع مقدس ۸ ساله را تحریف می کند و شعارهایی را که زینت بخش جبهه های جنگ بوده است به مسخره می گیرد».

«کیهان» در این مقاله با عنایون توہین آمیزی از کارگردانان و هنری شگان یاد می کند و این فیلم ها را تخدیری - عرفانی و آن هم از نوع «قوطی کمپوتی»؟! معرفی می کند. فیلم «زیر درختان زیتون» که در جشنواره امسال کان مورد توجه بسیار قرار گرفت مانند استخوانی گلوبی «کیهان» را می فشارد و آن را فیلمی «سبک» که «تنها تصویری متعرک از دختر بازی به سبک و سیاق روشن فکرانه است» می نامد. فیلم «زیر درختان زیتون» تصویری ساده، لطیف و تزرف از زندگی ارایه می دهد و منتقدین بسیاری را به تحسین و ادانته است. اما گردانندگان تاریک

ادامه در ص ۳

«مقابله با بحران اقتصادی»

یا گشودن دروازه ها و حراج گشوار

وضیعت به شدت بحرانی اقتصاد رژیم «ولايت فقیه» که در درجه نخست به دلیل خیانت ها و ندانم کاری های سران و دست اندر کاران امور پدید آمده است، آنچنان ابعاد گسترده ای یافته که سران بلند پایه جمهوری اسلامی را به تگرانی فرو برده است! این بحران به شکل تشدید رویارویی جناح های گوناگون رژیم در هرم حاکمیت بازتاب می یابد.

اما در این بین جالب توجه اینست که کلیه جناح های رژیم از مقابله با بحران و ارایه راه حل های منطقی و منطبق با منافع مردم میهن مانا توانند و به همین دلیل دست به دامن، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و در مجموع امپریالیست ها شده اند. درست همان امپریالیست هایی که هم اکنون نیز «ولی فقیه» روزی صد بار آنها را ناسزا باران می کنند!!!

وضعيت وام های خارجی و بهره های سنگین آن به خودی خود نشانگر عمق فرویاشی بینه اقتصادی و تخریب زیر بنای صنعتی و تولیدی کشور می تواند باشد. در حال حاضر وضع صنایع تولیدی و بطور کلی صنعت در جمهوری اسلامی حاکمی از یک رکود و اضمحلال گسترده است. در این زمینه نمونه ها فراوان و بسی گویا وجود دارند!

کارخانه «متالورزی پودر» واقع در قزوین که تنها تولید کننده بودر آهن کشور ادامه در ص ۲

دو دیگر صفحات:

سفیر و چهار دیبلمات رژیم جمهوری اسلامی
در ونزوئلا به اتهام «آدم ربایی» اخراج شدند

تشدید فشار به کارگران به بھانه «افزایش بهره وری»

مبازه به خاطر استقرار نظم قانونی در رو آندا

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولايت فقیه»

شده است».

دیگر مقامات شرکت کننده ایرانی نیز در کران مونتانا خاطر نشان ساخته اند که: «سیاست خصوصی سازی در جمهوری اسلامی با موفقیت به پیش می رود و در آینده ۹۰٪ واحدهای تولیدی به بخش خصوصی واگذار می شود». روزنامه ها و نشریات اروپایی و آمریکایی به تقلیل از عادلی نوشته اند: «وی و دیگر مسئولین جمهوری اسلامی بر آزاد بودن سرمایه گذاری های خارجی در ایران تأکید دارند. سرمایه گذاران خارجی می توانند پیش از ۴۹٪ سهام یک واحد تولیدی را در اختیار داشته و کنترل دقیق و کامل آن را در دست خود بگیرند».

مطوعات غرب خاطر نشان می کنند که عادلی، افنته سرمایه های خارجی را تمضیق شده قلمداد می کند.

فرستادگان رژیم به گرد همایی سوئیس بویژه در دیدار با محافل مالی و بازرگانی آمریکا و اروپا و همچنین نماینده گان صندوق بین المللی پول این سیاست را تبلیغ می کردند که با جو کلی و عمومی اقتصاد کلان در ایران به شکل منظم و درست در سمت آزاد سازی پیش می رود.

در این گرد همایی، نماینده گان صندوق بین المللی پول بار دیگر به موافق اجرایی و قانونی در راه سرمایه گذاری های خارجی اشاره کردند و بویژه موادی از قانون اساسی مد نظر آن ها بوده است. بی تردید باید گفت فرستادگان رژیم قول های مساعد و امیدوار کننده به آن ها داده اند!!

چنین عملکردی و مجموع سیاست گذاری ها در اوضاع بحرانی اقتصادی ایران فقط و فقط به نابسامانی، هرج و منج و فقر گسترش در میهن بلازده ما بیش از پیش دامن خواهد زد. بیکاری عظیم، غارت و چاول شروت های ملی، تخریب و نابودی زیربنای اقتصادی و تولیدی، واپسگی شدید به امپریالیست ها نتیجه چنین دیدگاه اقتصادی خواهد بود که در عرصه سیاسی و اجتماعی بصورت تشدید سرکوب و فشار، گسترش اختناق و انحطاط اجتماعی - فرهنگی جلوه گر خواهد شد و میهن ما را بیش از پیش به ورطه سقوط و عقب ماندگی سوچ خواهد داد.

تولید خالص سالیانه پنجه از ۲۵۴ هزار تن در سال های پیش از اقلاب به رقم ۹۰ هزار تن در حال حاضر رسیده و این سقوط ادامه خواهد داشت.

کاهش تولیدات صنایع نساجی در حالی است که طبق آمار موجود مردم ایران هر سال تقریباً یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون مترا پارچه مصرف می کنند، که تنها کمتر از نیمی از این مقدار در داخل کشور تولید می شود.

این مختصر، سیمای کلی آن شرایط در دنیاکی است که صنایع و بطور کلی زیر بنای اقتصادی ایران در آن بسیار می برد. در این شرایط و با وجود این نابسامانی و از هم گسیختگی، سران رژیم «ولایت فقیه» برای مقابله با بحران اقتصادی فراگیر به جای کوشش در راه گسترش و مدرنیزه کردن صنایع، چوب حراج به ایران می زندن!

اتخیر پنجمین گرد همایی سالیانه «اوپورسال» از تاریخ ۱۶ تا ۱۹ تیر ۱۳۷۰ سال جاری در کران مونتانا سوئیس برگزار شد. جمهوری اسلامی هیئت بلند پایه ای را شامل علی اکبر ولایتی، وزیر خارج، محمد حسین عادلی، رئیس بانک مرکزی، غنیمی فرد، معاون اول وزیر نفت و سلاماسی، مدیر کل بورس تهران به این گرد همایی مهم اعزام کرد. گرد همایی مزبور برای بررسی مسائل سیاسی - اقتصادی جهانی است و نماینده گان عالیرتبه صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، اکو، کشورهای غربی مانند فرانسه و سوئیس و نماینده گان باخودترین محافل مالی و بازرگانی جهان و همچنین اسرائیل در آن حضور دارند.

مقامات شرکت کننده از طرف جمهوری اسلامی در این نشست بر «ادامه اصلاحات اقتصادی» در ایران تأکید خاص نمودند و بی پرده و آشکار از سرمایه گذاران غربی در خواست کردند تا در بازار ایران شرکت جویند!

محمد حسین عادلی، رئیس بانک مرکزی و یکی از مهره های سرشناس جناح رفستجانی، در گفت و شودها و سخنرانی های خود که «لوموند» گوشه هایی از آن را نقل کرده است، متذکر شده که: «حتی بخش های حساس اقتصادی ایران از جمله پست و تلگراف و مخابرات و حتی برق می توانند از انحصار دولت خارج شوند و گام هایی در این زمینه برداشته

«مقابله با بحران اقتصادی» ...

می باشد و دارای تکنولوژی منحصر به فردی در ایران است به علت عدم تخصیص اعتبار در آستانه تعطیل کامل قرار دارد. حسن تقیوی راد، مدیر عامل این کارخانه می گوید: «خط تولید پودر آهن با ظرفیت سالانه ۳ هزار تن متوقف شده و خط تولید قطعه نیز که دارای ظرفیت سالیانه یک هزار قطعه بود اکنون تنها با ۵٪ ظرفیت تولید کار می کند».

بحاست توجه خوانندگان را به این نکته جلب کنیم که این کارخانه استراتژیک به نیازهای بسیاری از واحدهای تولید بزرگ مانند: «ایران خودرو»، «پارس خودرو» پاسخ می داد و برای گروه دیگری از واحدهای دارای اهمیت حیاتی در تولید منظم بود.

در رشتہ صنایع پولاد، شماکی کلی اسفبار است. اخیراً مخبر کمیسیون دیوان محاسبات بوجه و امور مالی مجلس شورای اسلامی خبر ضرر شرکت های بولاد ایران را به میزان ۲/۵ میلیارد دلار تایید کرد. در طول برنامه ۵ ساله اول که یک سال هم تمدید شد، شرکت «بولاد اهواز»، «بولاد مبارکه» و «بولاد کاویان» به ترتیب ۱/۳ میلیارد، ۶۸۸ میلیون و ۵۳۵ میلیون دلار ضرر داده اند.

در رشتہ نساجی اوضاع مبهم و تاریکی حاکم است. در حال حاضر میزان اشتغال مستقیم در صنایع نساجی کشور ۴۷۰ هزار نفر، معادل ۲۰٪ اشتغال کل کشور است و ارزش کل تولیدات نساجی به ۴ هزار میلیارد ریال می باشد. این صنعت با اهمیت و پر سابقه در ایران با چنان بحران و رکود رو به گسترش و مزمن روبروست که رادیو فرانسه در پخش تفسیر خبری خود به زبان فارسی در تاریخ تیر ماه ۱۳۷۲ وضع آنرا چنین توصیف کرد: «صنعت نساجی ایران که بیش از یک قرن از پایه گذاری آن می گذرد، با بحران تاریخ زندگی خود ربرو شده است. این صنعت که بیست سال پیش محصولات خود را به کشورهای همسایه و حتی به بازارهای اروپایی صادر می کرد، اکنون توان رقابت با پوشак و پارچه های تایلندی، کره ای، ترکی و ... را از دست داده است».

این رادیو در ادامه تفسیر خود افزود: «در روزهای اخیر اعلام شده است که کارخانه پارچه بافی «ارمک» چاپکس و کارخانه نخ «کشمیران» در مقابله با پارچه های وارداتی و نخهای کره ای به زانو درآمده است. کارخانجات پوشش ایران» که یکی از مهمترین واحدهای نساجی کشور به شمار می رود، به سبب دشواریهای ناشی از کمبود نقدینگی، امکان فعالیت ندارند. این در حالی است که صادرات پارچه ترکی به ایران در سال ۱۹۹۲ نسبت به سال ماقبل خود ۱۶۸ درصد بیشتر شده است».

سیاست های غلط و خاشانه مسئولین باعث کاهش تولید شده است. از جمله عوامل این کاهش می توان از: عدم سرمایه گذاری و جایگزینی ماشین آلات جدید و نو؛ عدم سرمایه گذاری نسجیده ارزی و تخصیص اعتبارات لازم و کاهش پیوسته تولید پنهان واردات بی رویه محصولات نساجی خارجی نام برد.

مابقی از صفحه ۲

تأثیدی قازه ...

کلیه ات را از کار می اندازم، بعد هم تیری به کلو و شانه ات ...
مصاحبه گر مجله «فوکوس» از شیمکوس می پرسد با زندانیان ایرانی چه می کردند؟

جواب: بازهم بدتر ...

سوال: می خواهید در این باره حرفي بزنید؟

جواب: نما سفیر آلان گفته است که پس از آزادی زبانم را نگاه دارم ...
من صدای فریاد مردان و زنان را ساعتها

می شنیدم، نه اینکه نعره بزنند ... صدا، دیگر صدای انسان نبود ... صدایی نبود که از این دنیا بیاید. و بعد هم ماجراه بچه ها؟

سوال: ماجراه بچه ها چه بوده است؟

جواب: در اطاق شکنجه بچه ها هم بودند. آنها به دختر بچه ۹ ساله ای تجاوز کردند پدر و مادر طفل هم حضور داشتند ... پدر چنان می لرزید که صدای استخوانها یش شنیده می شد ...
سوال: مطمئن اید که برای گرفتن اعتراف بچه ها را هم شکنجه می دادند؟

جواب: من خود شاهد واقعه بوده ام. ایران باید به دادگاه بین المللی کشانده شود. آنچه برسر آن دختر ۶ ساله آمد، مورد یکانه ای نبود ...

۵۰. سایه

زندگان

که استوار ماند در هجوم هرگز نمود

نگاه کن
هنوز آن بلند دور،
آن سپیده، آن شکوفه زارِ انفجار نور،
کهربای آرزوست
سپیده‌ای که جانِ آدمی هماره در هوای اوست
به بوی یک نفس
در آن زلال دم زدن
سزد اگر هزار بار
بیفتی از نشیبِ راه و باز
رونهی بدان فراز.

چه فکر می‌کنی؟
جهان چو آبکینه، شکسته‌ای است
که سرو راست هم، در او شکسته می‌نماید.
چنان نشسته کوه در کمین دره‌های این غروب تنگ،
که راه بسته می‌نماید.

زمان بی کرانه را
توباشمار کام عمر ما منجع
به پای او دمی این درنگ درد و رنج

به سانِ رود
که در نشیبِ دره سر به سنگ می‌زند،
رونده باش.
امید هیچ معجزی زمرد نیست،
زنده باش.

که بادبان شکسته زورق به گل نشسته‌ای است زندگی؟

درین خراب ریخته
که رنگِ عافیت ازو گریخته،
به بن رسیده راه بسته‌ای است زندگی؟

چه سهمناک بود سیل حادثه
که همچو اژدها دهان گشود
زمین و آسمان زهم کسیخت
ستاره خوش خوش ریخت
و آفتاب در کبودِ دره های آب غرق شد.

هوابد است
تو با کدام باد می روی؟

چه ابر تیره‌ای گرفته سینه ترا
که با هزار سال بارش شبانه روز هم
دل تو واغنی شود

تو از هزاره‌های دور آمدی
درین درازنایِ خون فشان
به هر قدم نشان نقش پای تست
درین درشتاناک دیوالخ
زه طرف طنین کام‌های ره کشای تست
بلند و پست این کشاده دامگاه‌نگ و نام
به خون نوشته نامه و فای تست
به گوش بیستون هنوز
صدای تیشه‌های تست.

چه تازیانه‌ها که با تن تو تاب عشق آزمود
چه دارها که از تو گشت سریلنند
زهی شکوه قامت بلند عشق

چماق فقها بر سر فیلم...

اندیش «کیهان» می‌نویسد:
«مردم با دیدن این فیلم و فیلم
هایی نظری این از رژیم مایوس می‌
شوند». البته باید با نویسنده‌گان
«کیهان» در این زمینه بخصوص
هم عقیده بود که دیدن و خواندن
هر چیز انسانی و مردمی باعث
یاس مردم از رژیم ضد انسانی
جمهوری اسلامی می‌شود.

«کیهان» سپس ابراز
نگرانی می‌کند که کلیه فیلم‌های
ایرانی که در جشنواره‌های متعدد
شرکت کرده‌اند: «چهره‌ای پر از
نکبت و سیاهی از جامعه اسلامی
ایران ارایه کرده‌اند» و نتیجه می‌
گیرد که فیلم‌های جشنواره‌ای
سینمای انقلاب اسلامی را از پای
در آورده و نایبود ساخته‌اند.
قشریون ضد هنر و مردم که با هر
چه زیبا و انسانی است سرستیز
دارند. از منبر «کیهان» چنین
فریاد بر می‌آورند: «هرچه دولت
بیشتر به تولید فیلم فارسی کمک
کند نیش و کنایه و انتقاد و
تمسخر نسبت به نظام جمهوری
اسلامی در آن بیشتر می‌شود».

رژیم آزادی سنتیز جمهوری
اسلامی، چنان بار تفکرات قرون
وسطایی و واپس مانده‌ای را به
دوش می‌کشد که در هر عرصه‌ای
ردپایی زشت و سیاه از خود باقی
می‌گذارد.

زمزمه‌های شوم «کیهان»
که طرفداران پر پا قرص در
حاکمیت دارد تدارک زمینه برای
اعمال فشار بازهم بیشتر نسبت به
هرمندان و بازیگران سینمای
میهن ما و خشکاندن جوانه‌های
بارور فیلم سازی در ایران است.

تهران، اسفند ۱۳۷۰
مجله «چیستا» - اردیبهشت ۱۳۷۲، شماره ۹۸

مخصوص خود را دارد، این بخش ۲۰۹ است
که وقتی به آنجا وارد می‌شوی رگه‌های بزرگ
خون بر زمین نظرت را جلب می‌کند. بیش از
من مرد ۷۰ ساله‌ای را شکنجه کرده بودند که
نشست زمین شده بود و به شدت از بدن او خون
خارج می‌شد ... مرا به میزی بستند، مردی
با گابل در کنارم ایستاده بود، یا اولین
ضریبات پاهایم داغان شد و چه دردی؟ انکار که
یک جریان برق ۱۰۰/۰۰۰ ولتی از بدنست می‌
گذرد ... مرا دم خواباندند و گفتند ... حال
ادامه در صفحه ۲

تائیدی تازه

افشانگری شیمکوس برای مردم میهن ما و
انکار عمومی جهان تائید تازه‌ای است بر
شکنجه‌های قرون وسطایی مدھش که جلادان
رژیم جمهوری اسلامی برای بقای رژیم خود کامه
«لایت فتیه» به آن ادامه می‌دهند. شیمکوس
از دیده‌های خود از جمله درباره زندان اوین
چنین می‌گوید: «سرپیس مخفی در آنجا بخش

آخرها هلموت شیمکوس، تبعه آلمانی که
پس از ۵/۵ سال از زندان رژیم جمهوری اسلامی
آزاد شده، یا مجله «فوکوس»، چاپ آلمان
مصاحبه‌ای داشته است. او که به اتهام
«جاسوسی» برای عراق به اعدام محکوم شده
بود، به فرمان خامنه‌ای مورد غنو قرار گرفت.
حکام رژیم «ولایت فقهی» امیدوارند به این
ترتیب معامله‌ای سودمند انجام داده‌اند، که
حداقل سود آن سرپیش گذاردن بر محکومیت
جمهوری اسلامی در پرونده ترور دکتر
شرافتکنی و یارانش می‌تواند باشد.

"اعضای روحانیت شیعه و سنی همچنان هدف آزار و دستگیری بودند. حداقل ۹ نفر از پیروان آیت الله منتظری پس از آنکه او مقامات جمهوری اسلامی را علناً مورد انتقاد قرار داد، دستگیر شدند و سرنوشت آن‌ها تا پایان سال ۱۹۹۳ معلوم نبود".

محکومیت تروریسم جمهوری اسلامی در بیانیه رسمی اجلاس سران ۷ کشور صنعتی جهان

برای نخستین بار، در بیانیه پایانی اجلاس سالانه هفت کشور صنعتی جهان که در ناپل، ایتالیا، برگزار گردید، موضع جمهوری اسلامی در برابر "تروریسم" محکوم شد. در این بیانیه آمده است: "ما از دولت ایران دعوت می‌کنیم که در کوشش‌های جهانی به منظور استقرار صلح و ثبات مشارکت سازنده داشته باشد و در رفتار خود در مورد تروریسم که مغایر با این هدف است، تجدید نظر به عمل آورد".

سیلویو بولوسکونی، نخست وزیر ایتالیا که میزبان اجلاس اخیر کشورهای هفت گانه صنعتی جهان بود در پایان این اجلاس و طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "به جای حرف، جامعه بین‌المللی خواهان دیدن اقدامی از سوی ایران در مبارزه با تروریسم است... اگر چنین اقدامی انجام گیرد آنگاه جامعه بین‌المللی با خوشحالی آمده است هر ابهام و هر قضایت منفی درباره ایران را از میان بردارد".

کاهش درآمد بازنیستگان در لایحه جدید نظام تأمین اجتماعی

بنابه گزارش روزنامه "سلام"، میرمحمدی، مسئول کمیته بیمه و درمان خانه کارگر جمهوری اسلامی در دیدار اعضای این کمیته با مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی گفت: "پیش تویس لایحه نظام تامین اجتماعی که هم اکنون در کمیسیون های هیئت دولت در دست بررسی است... طوری طراحی گردیده که در کنار افزایش روزافزون قیمت‌ها، درآمد بیمه شدگان بویژه بازنیستگان و مستمری بگیران کاهش خواهد یافت و دولت حمایت‌های مالی خود را قطع خواهد کرد".

وی در ادامه "نگرانی و ناراضیتی جامعه کارگری از افزایش قیمت دارو، بویژه داروهای اساسی تا چند برابر قیمت و همچنین افزایش سرسام آور تعریفهای آزمایشگاهی و رادیولوژی را اعلام و در پایان سخنان خود به مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی "اختصار" کرد که "ادامه حیات سازمان تامین اجتماعی در چارچوب سیاست خصوصی بدون شرکت دولت غیرممکن است".



سفیر و چهار دیبلمات جمهوری اسلامی در ونزوئلا به اتهام آدم ربایی «خارج شدند»

سخنگوی وزارت امور خارجه ونزوئلا اعلام کرد که روز پنج شنبه ۲۳ تیرماه دیبلمات های سفارتخانه جمهوری اسلامی در آن کشور یک ایرانی تبعیدی و پنج تن از اعضای خانواده ای را ربودند. در این رابطه، روزنامه «ال اونیورسال»، چاپ کاراکاس، پایتخت ونزوئلا، گزارش داد که دیبلمات های ایرانی اعضا خانواده مذکور را با تهدید اسلحه از فرودگاه به محل سفارت رژیم در کاراکاس برداشت ترتیب انتقال آنها را به ایران بدھند. این روزنامه در ادامه گزارش خود افروزد که ماموران انتظامی ونزوئلا به کمک مقامات سازمان ملل متعدد موفق شدند که ایرانی های "بازداشت شده" را که قبل از دولت ونزوئلا تقاضای پناهندگی سیاسی کرده بودند نجات دهند.

بدنبال این حوادث، ۴ نفر از دیبلمات های رژیم در ونزوئلا به اتهام "آدم ربایی" از آن کشور اخراج شدند، و همچنین روز سه شنبه ۲۸ تیرماه خبرگزاری رویتر به نقل از وزیر امور خارجه ونزوئلا گزارش داد که تعداد دیبلمات های اخراجی ایران افزایش خواهد یافت. آخرین اطلاعات حاکی است که سفیر ایران در ونزوئلا نیز از این کشور اخراج شده است.

بشارتی: تاکنون هیچ حزب سیاسی

در خواست مجوز نکرده است

علی محمد بشارتی، وزیر کشور جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۲۸ تیرماه اعلام کرد که در ۱۲ سال گذشته ۳۰۰ انجمن و سازمان غیرسیاسی برای دریافت مجوز قانونی در وزارت کشور ثبت نام کردند اند ولی هیچ حزب سیاسی تاکنون چنین درخواستی نکرده است.

همزمان با این اظهارات بشارتی، خبرگزاری رویتر به نقل از دکتر ابراهیم یزدی گزارش داد که: "نهضت آزادی ایران پیش از سال ۱۳۶۳ از وزارت کشور درخواست مجوز کرده ولی تاکنون پاسخی دریافت نکرده است". دکتر یزدی که در یک گفتگوی تلفنی از تهران با خبرگزاری رویتر سخن می‌گفت، در ادامه افروزد: "ما از احزاب دیگری با خبر هستیم که درخواست خود را ارائه داده اند ولی آنها هم مانند ما همچنان منتظر دریافت پاسخ هستند".

تقاضا از سازمان ملل متعدد برای حمایت از مسیحیان ایران

سازمان "پورتس اورتس" (درهای باز) که مقر آن در سویس قرار دارد و از حقوق

گزارش سالانه سازمان عفوین الملل درباره نقض حقوق بشر در ایران

سازمان عفوین الملل اخیراً گزارش سالانه خود درباره تقضی حقوق بشر در کشورهای جهان را منتشر کرد. در مقدمه بخش مربوط به ایران این گزارش آمده است: "در سال ۱۹۹۳ گزارش هایی در مورد دستگیری های سیاسی، شکنجه - محکمات غیرعادلانه و اعدام های فوری در سراسر ایران انتشار یافت. از جمله بازداشت شدگان کسانی بودند که به دلیل عقاید و باورهای خود به زندان افتاده بودند و یا افرادی که پس از محکماتی ناعادلانه دوره های طولانی زندان را سیری می کردند و اعمال معجازات هایی نظیر شلاق زدن و قطع انگشtan ادامه داشت - حداقل ۹۳ نفر، از جمله زندانیان سیاسی - و برخی از آنها در انتظار عمومی، اعدام شدند. چندین مخالف دولت در خارج از ایران ربوه یا کشته شدند". سازمان عفوین الملل در ادامه نوشت:

آنگولا

تلاش برای خاتمه دادن به جنگ داخلی و ویران کننده در آنگولا، با گردهمایی روسای جمهور آفریقای جنوبی، آنگولا، موزامبیک و زئیر در پرتوریا، پایتخت آفریقای جنوبی وارد مرحله جدیدی شد. هدف این اجلاس که به ابتکار و مهمنداری نلسون ماندلا، رئیس جمهور آفریقای جنوبی انجام می‌گیرد، پیدا کردن راه حل برای برخی جنبه‌های برخورد در آنگولا، بویژه در رابطه با مداخلات زئیر به نفع نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابیون اوینیتا، اعلام گردیده بود.

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران سیاسی با تغییرات گسترده‌ای که در روابط بین المللی صورت گرفته است و بویژه انتخاب رهبران کنگره ملی آفریقای جنوبی و پایان رژیم آپارتاید که از حامیان اصلی اوینیتا بود. اکنون ارتعاجیون باندهای تروریستی ساویمی، فقط از طریق کمک‌های نظامی و مادی و معنوی زئیر است که می‌توانند به اقدامات خرابکارانه خود ادامه دهند. تلاش نیروهای ترقیخواه آفریقا متوجه قطع کمک‌های خارجی برای ساویمی و اجراء او به قبول راه حل‌ها از طریق مذکوره و تن دادن به نتایج انتخابات دموکراتیک آنگولاست که تحت نظارت بی‌طرف بین المللی و سازمان ملل صورت گرفت.

در این رابطه پژوهیدن ادوارد سانتوز از آنگولا و پژوهیدن موبیتو سه سکو از زئیر طی جلسه دوچاره‌ای موافقت کردنده که به مکانیزم‌های موجود در قالب کمیسیون دفاع و امنیت شامل وزرای مربوطه و دیگر ساختارهای دو کشور حیات تازه‌ای بدنه‌ند. در این گردهمایی توافق شد که بلافاصله پس از مراجعت رهبران به کشورهای خود، «کمیسیون دفاع و امنیت» جهت مطالعه جزئیات و تهیی مقدمات ملاقات جدیدی بین رهبران آنگولا و زئیر، تشکیل جلسه دهد.

اجلاس پرتوریا متعاقب تماس‌های دوچاره و چندچاره سران سازمان وحدت آفریقا، تحقیق پیدا کرد.

نیجویه

موج اعتراضات عمومی مردم و نیروهای دموکراتیک کشور علیه اقدامات غیر دموکراتیک دولت‌های نظامی شدت می‌گیرد. نیروهای سیاسی ترقیخواه و لیبرال از اصرار نظامیان حاکم به خودداری از به رسمیت شناختن نتایج انتخابات دموکراتیک سال قبل که به پیروزی مoshod آبیولا انجامید، شدیداً ناراضی هستند.

اتحادیه کارگران تولید و توزیع نفت



نظرخواهی اظهار داشتند که آن‌ها در دهه‌های حاکمیت کمونیست‌ها راضی تر و شادتر بودند. فقط ۸ درصد پاسخ دهنده‌گان رضایت خود را از وضعیت فعلی اعلام کردند.

فرانسه

عدم کارآیی برنامه‌های اقتصادی دولت ائتلافی راست، با افزایش تعداد بیکاران و تداوم بحران اقتصادی همه جانبه به معرض نمایش گذاشته شد. با اعلام تعداد بیکار شدگان در ماه ژوئن که بالاترین رقم ماهانه در سال اخیر بوده است، میزان بیکاری در فرانسه به ۳/۳۵ میلیون نفر و با ۱۲/۷ درصد نیروی کار بالغ گردید. ارقام فوق بویژه برای دولت ائتلافی حاکم اسفبار خواهد بود، زیرا نیروهای دست راستی در ماه مارس ۱۹۹۳ با شعار مبارزه علیه بیکاری که میزان آن در تاریخ فرانسه بی‌سابقه است، توانستند حزب سوسیالیست پژوهیدند میتران را شکست دهند.

برمه

همزمان با پیجعین سالگرد بازداشت خانم آونگ سان سون کی، رهبر جنبش طرفداری از دموکراسی در برمه، نظر محافل سیاسی جهان دگرباره متوجه این کشور گردید. خانم آونگ سان از سال ۱۹۸۹ تاکنون در منزل خود در رانگون در بازداشت بسی برد است. حزب خانم آونگ سان، لیگ ملی برای دموکراسی که توسط خود او پایه گذاری شده بود، در انتخابات عمومی سال ۱۹۹۰، پیروزی یکپارچه و غیرقابل بخشی را بدست آورد. ولی «شورای اعاده نظم و قانون» که برکشور حکومت می‌کند از تسلیم قدرت به او خودداری نمود. در سال ۱۹۹۱ به پاس مبارزات خانم آونگ سان در طرفداری از دموکراسی جانبه صلح نوبیل به او تعقیل گرفت. سازمان اعفو بین الملل اخیراً اعلام کرد در طوماری که از سوی بیش از ۲۰۰۰ نفر از اعضای پارلمان کشورهای مختلف جهان امضا شده و به دبیر کل سازمان ملل، پتروس غالی، تسلیم شده است، آزادی آونگ سان خواسته شده است.

علاوه بر این ۱۴ شخصیت بین المللی برنده جایزه صلح نوبیل در نامه‌ای سرگشاده خطاب به رهبران نظامی برمه خواستار آزادی خانم آونگ سان و ۲۶ عضو منتخب پارلمان برمه شده‌اند. در پاسخ بدین فشارها، در روز ۳۰ تیر ماه دولت نظامی برمه پیشنهاد کرد که خانم آونگ سان برای ۵ سال به تعیید در خارج از برمه برود.

«نیوینگ» یک اعتضاب سیاسی در اعتراض به اقدام دولت در ابطال نتایج انتخابات ریاست جمهوری و دستگیری مoshod آبیولا (که اخیراً خود را رئیس جمهور خواند) شروع کرده است، این اعتضاب، اکنون از سوی اتحادیه کارمندان عالیرتبه صنعت نفت «پنگاسان» مورد حمایت قرار گرفته است. اتحادیه پنگاسان همچنین به بیکار شدن بیش از ۳۰۰۰ تن از اعضای خود معترض می‌باشد. اعتضاب نفتگران توزیع نفت و سوخت صنعتی زندگی نیجریه را به شدت مختل نموده است و عملالاگوس، پایتخت نیجریه را به تعطیلی کشانده است. اتحادیه‌های کارگری مصمم اند که اعتراضات خود را تا سقوط دولت نظامی ادامه دهند. لازم به تذکر است که بیش از ۹۰ درصد از درآمدهای ارزی نیجریه از طریق صادرات نفت حاصل می‌شود.

لهستان

در هفته‌های گذشته روند افشاءی ماهیت واقعی سران جبهه‌های رنگارنگ ضد سوسیالیستی در کشورهای اروپای شرقی که در جریان فروپاشی دولت‌های سوسیالیستی سابق به قدرت رسیدند، ادامه یافت. نتایج نظرخواهی‌های عمومی که توسط سه سازمان مختلف نظرخواهی انجام پذیرفت حاکی از آن است که لخ و النسا، رئیس جمهور فعلی کشور، هیچ شانسی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده نخواهد داشت. طبق این نظرخواهی‌ها لخ والنسا که در دهه ۸۰ میلادی شورش پرسرو صدا و موثر اتحادیه همیستگی را علیه دولت حزب سوسیالیست متحد کارگری لهستان سازمان داد و از بانیان اصلی تعمیق بحرانی شد که اکثر کشورهای سوسیالیستی را فراگرفت، از نظر حمایت مردم، رتبه ۱۹ را در میان ۲۰ سیاستمدار برجهته کشور دارد. حمایت فقط ۵ درصد مردم از لخ والنسا، عملکوبای شانس ناچیز او برای پیروزی در انتخابات آتی می‌باشد.

بیش از نیمی از پاسخ دهنده‌گان به

تشدید فشار به کارگران به پیمانه «افزایش پهنه وری»

خرداد، در مصاحبه ای که به مناسبت «هفته بهره وری» با خبرنگاران مطبوعات انجام داد، با همین شیوه «ناجیز بودن سطح بهره وری در کشاورزی» را نه فقط ناشی از «پایین بودن سطح آگاهی های کشاورزان» بلکه «سازگار نبودن ذاته مردم با تولیدات داخلی!!!» دانست و بدین ترتیب نه فقط کشاورزان، بلکه «ذائقه مردم» را نیز مسئول ورشکستگی بخش کشاورزی شناخت! در روز ۷ خرداد، در «سمینار روابط کار و بهره وری» وزیر کار باز دیگر بر طبل هشدار خود کوید و از کارگران خواست که با «ایجاد محیطی دوستانه و به دور از مسائل و تنش ها» به «حل و فصل اختلافات در درون کارگاه ها» بپردازند و از «رجوع به مراجع رسمی که در بیان موارد ممکن است موجب دامنه دار شدن اختلافات شود» خودداری کنند. او به کارگران توصیه کرد که برای حل مشکلات خود، به جای رو در روی با مدیریت، از محمل تشکیلات های «درون کارگاری کارگاهی» که «شکل باز آن تشکیلات کارگری کارفرمایی است» استفاده کنند!

از آن زمان تا کنون، مسئولان رژیم یکی پس از دیگری بر ضرورت «حفظ انضباط کار، کاهش تنش ها در کارگاهها، تلاش کارگران برای تولید بیشتر به منظور حفظ استقلال کشور، همکاری هرچه بیشتر کارگران با کافرمایان و مدیران در کارگاه ها، از خود دانستن محیط کار توسط کارگران» وغیره وغیره، تأکید ورزیده اند و روزی نبوده است که چندین صفحه از نشریات حکومتی به این مسئله اختصاص داده نشود. فشار به کارگران امروز به جایی رسیده است که مسئولان «خانه کارگر» و سردبیر نشریه «کار و کارگر» را نیز به دعوت از کارگران برای «تلاش بیشتر برای افزایش بهره وری» کشانده است.

همه شواهد حاکی از این است که رژیم موج تازه ای از فشار روی کارگران را آغاز کرده است. این باز تلاش بر این است تا مسئولیت شکست برنامه های اقتصادی ضد مردمی رژیم را از دوش مسئولان رژیم و حامیان آنان در بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بردارند و به دولت کارگران و زحمتکشان کشور، که خود قربانیان اصلی این سیاست های فاجعه باز بوده اند، بیاندازند. اگر وضع به همین منوال پیش رود، دور نخواهد بود روزی که کارگرانی را که در دفاع از منافع خود و خانواده شان از تعکین به سیاست های تعدیل اقتصادی و خصوصی کردن سر باز می زنند، به جرم «همکاری با استعمارگران» و «توطئه علیه استقلال کشور»، راهی زندان ها و شکنجه گاه ها کنند.

است تا ارتباط گسترده و مناسبی بین بخش های فرهنگی کشور، مخصوصاً رسانه های گروهی با ادارات کل کار و امور اجتماعی به وجود آید. وی هدف این کارزار را نیز «تلاش عمومی در جهت ترویج فرهنگ کار و زدودن کاهمی، سنتی و خمودگی از جامعه [بخوان از کارگران]» از طریق ایجاد «تحویل جدی و اساسی پیرامون فرهنگ کار در خانواده، محل کار و جامعه» تعریف کرد. و برای این که میخواهد تهدید را خوب کوییده باشد یادآور شد از آنجا که «به فرموده مقام معظم رهبری، استعمارگران سعی می کنند به فرهنگ کار در کشورهای دیگر لطفه وارد سازند»، بنابراین «تمامی دستگاه های فرهنگی کشور باید در جهت ترویج فرهنگ کار بسیج شود!

کمالی سپس با تأکید بر ضرورت «رعایت نظم و انضباط در محیط کار»، به کارگران خاطر نشان ساخت که محیط کار باید به صورت خانواده [!] درآید و «تمامی افرادی که در کارخانجات کار می کنند، باید در جهت کاهش تنش ها در محیط کار گام بردارند». در همین گرد همایی، آقای

خواجه نوری، معاون وزیر کار، یک گام هم از جانب وزیر جلوتر رفت و به مدیران کل کار سراسر کشور دستور داد که «در سطح حوزه فعالیت خود... نسبت به تنظیم آین نامه های انضباطی در سطح واحد های تولیدی اقدام» کنند.

اما این تازه آغاز کار بود. پس از این گرد همایی، یک به یک مسئولان رژیم از ریز و درشت به مصاحبه با مطبوعات پرداختند و بر ضرورت «افزایش بهره وری» به منظور مبارزه با «استعمارگران»، تأکید کردند. حسینیان، وزیر صنایع سنگین، در روز ۱۹ اردیبهشت در یک گفتگوی مطبوعاتی، پس از این که «توسعه فرهنگ بهره وری» را «یکی از ضروری ترین اقدامات ملی» خواند، گفت: «فروش سهام کارخانجات دولتی به بخش خصوصی و به طور کلی سیاست خصوصی سازی یکی از روشهای افزایش بهره وری به شمار می آید». حسینیان نیز مانند کمالی به «نقش رسانه های همگانی در اشاعه فرهنگ بهره وری» اشاره کرد و تأکید نمود که «رسانه های همگانی نقش مهمی در انجام این رسالت دارند».

در روز ۲۶ اردیبهشت، خواجه نوری در یک مصاحبه مطبوعاتی باز دیگر بر «ضرورت ارتقاء بهره وری» تأکید کرد و این با صدور این حکم که «سایر عوامل تولید از اندیشه والا و قدرت خلاقه انسان تعیت می کنند»، یکباره بر همه قوانین اثبات شده اقتصادی در مورد رابطه سرمایه و تکنولوژی با بهره وری کار خط بطلان کشید و مسئولیت پایین بودن بهره وری در کشور را به طور کامل به گردن کارگران انداخت.

عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی، نیز در روز ۴

بن بست اقتصادی موجود سردمداران رژیم را به چنان صرافتی انداخته است که این روزها می کوشند برای رها کردن یقه خود از چنگال عاقب فاجعه بار سیاست های اقتصادی چند ساله اخیر، به هر ترفند و دستاورزی چنگ اندارند. یکی از آخرین نمونه های چنین کوششی، موج تازه تبلیغات حول ضرورت «افزایش بهره وری» است که این روزها به ورد زیان مسئولان خرد و کلان رژیم بدل شده است و ظاهرآ می رود که مانند سیاست مبارزه با «تهاجم فرهنگی»، به یک کارزار گسترده علیه مردم رحمتکش، به ویژه کارگران میهن، بدل شود.

آنچه از این روند، آقای خامنه ای، «مقام معظم رهبری» رژیم بود که در پیام نوروزی خود، سال ۱۳۷۳ را سال «وجдан کار» و «انضباط اجتماعی» اعلام کرد. به دنبال این پیام، بوق و کرناهای تبلیغاتی رژیم در سراسر کشور به صدا درآمد و در هرگوشه مسئولان نظام، که به دنبال بهانه ای برای خالی کردن شانه خود از زیر مسئولیت وضع فاجعه بار اقتصادی می گشتد، کارزار «افزایش بهره وری» را به راه انداختند و همان طور که انتظار می رفت، باز دیگر کارگران و زحمتکشان میهن ما به دلیل نداشت «فرهنگ کار» مورد سرزنش و شماتت قرار گرفتند. این بار نیز وظیفه «افزایش بهره وری» در کارگاه های تولیدی اقتصادی به عهده ارگان های «فرهنگی» رژیم و اگذار شد تا با «گسترش دادن فرهنگ کار»، کارگران میهن ما را در مورد وظایف «اسلامی» و «انقلابی» شان «ارشاد» کنند. بالاخره هفته اول خرداد ماه را «هفته افزایش بهره وری» نامیدند و سینماهارهای پر سروصدایی را طی آن به راه انداختند.

اما، نگاهی به گفته های مسئولان رژیم در مورد مسئله «افزایش بهره وری» در طول ماه های اخیر، پرده از توطئه تازه رژیم علیه کارگران و خدمتکشان میهن بر می دارد. کمالی، وزیر کار و امور اجتماعی، اولین کسی بود که با گردهم آوردن مدیران کل کار و امور اجتماعی کشور به مدت دو روز در تهران، شروع این کارزار را به همگان اعلام کرد. او در سخنرانی آغاز گرد همایی، پس از تأکید بر این که «ولی امر مسلمین سال جاری را مصباحه مطبوعاتی باز دیگر بر «ضرورت ارتقاء بهره وری» تأکید کرد و این با صدور این حکم که «سایر عوامل تولید از اندیشه والا و قدرت خلاقه انسان تعیت می کنند»، یکباره بر همه قوانین اثبات شده اقتصادی در مورد رابطه سرمایه و تکنولوژی با بهره وری کار خط بطلان کشید و مسئولیت پایین بودن بهره وری در کشور را به طور کامل به گردن کارگران انداخت.

کشور جهان است، اما لازمه دوام و بقاء این حریت، آزادی و استقلال در گروهی نیازی از بیگانگان به ویژه دولت های استعماری است و این حاصل نخواهد شد جز با تأکید بر فرهنگ کار و توجه به وجدان کاری و در این راستا لازم

آیا صحت دارد؟

در ماه گذشته کشتی باربری ۳۰۰ هزارتنی «ایران بقایی» در شهر بندری «نیوبورگ» دانمارک برای ۱۵ روز لنگر انداخته بود. ملوانان ایرانی کشتی بعضی از ماهبت محموله های بارگیری شده اظهار بی اطلاعی کردند و برخی اظهار داشته اند که قرار است «قیر» به مقصد ایران بارگیری کنند. جالب اینجاست که در بندر نیوبورگ هیچ فعالیتی در صدور و تولید قیر صورت نمی گیرد. فعالان کارگری دانمارک اظهار نظر کرده اند که این بندر مرکز صدور «ضایعات صنعتی» است و به احتمال قربت به یقین محموله این کشتی را مواد سمی و آلوده و ضایعات صنعتی تشکیل می دهد که در خود دانمارک مردم حاضر به تحمل آن نیستند. کشورهای سرمایه داری زیان های هسته ای و ضایعات آلوده صنعتی خود را برای دفن به کشورهای جهان سوم می فرستند. بعد نیست که موافقت ایران برای دریافت «ضایعات صنعتی» در رابطه با رضایت دانمارک به تجدید زمان بندی بدھی های ایران به این کشور باشد. مقامات رسمی ایران هیچگاه از شرایطی که در مقابل آن تجدید زمان بندی بدھی های ده ها میلیارد دلاری ایران مورد قبول کشورهای اروپایی قرار گرفت، سخنی نیاورندند. ولی شواهد بسیاری در دست است که رهبران مرجع جمهوری اسلامی با قبول شرایط خفت باری اوج بی مسئولیتی خود را در مقابل میهن و منافع ملی به نمایش گذاشده اند.

کمک سازمان ملل متعدد...

رسمی مقامات جمهوری اسلامی، نرخ رشد جمعیت در ایران فقط در سال ۱۹۸۵ بین ۳/۳ تا ۳/۹ درصد بوده است که در جهان از زمرة بالاترین نرخ های رشد است! اکنون ۴۰٪ جمعیت ۶۰ میلیونی ایران را متولدها پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ تشکیل می دهند. برای مقابله با چنین رشد سریع آوری، اخیرا سازمان ملل متعدد مبلغ ۱۰ میلیون دلار وسائل ضد بارداری به ایران کمک کرده است. بخشی از این کمک قرار است صرف بهبود وضع بهداشت مادران و کودکان شود. بی تردید بخش مهمی از این مساعدت و یاری همانند کمک های سازمان ملل و کشورهای جهان به زلزله زدگان گیلان، توسط مسئولین رئیم و وابستگانشان حیف و میل خواهد شد.

آن را به کشتار وسیع مخالفان خود ترغیب نمودند. برخی گزارش ها از قتل عام بیش از ۵۰۰ هزار نفر و بی خانمانی میلیون ها نفر از مردم کشور سخن می گویند.

«جهه میهنی روآندا» در این مرحله همه مخالفان دولت را برای مبارزه علیه کشتارها و به دست عدالت سپردن قاتلان و آدمکشان بسیج و سازماندهی کرده است. «جهه میهنی روآندا» خواستار سازماندهی و استقرار یک حاکمیت مبتنی برمنافع ملی بوده و مخالف برتری یافتن منافع یک گروه خاص در کشور است. رهبران جهه میهنی معتقدند که مداخله ارتش فرانسه جز حمایت از نظامیان حاکم هدفی ندارد و این بار همچون سال ۱۹۹۰ امپریالیسم فرانسه سعی در حفظ حاکمیت نظامیان دیکتاتور دارد که با قانون و نظم قانونی هیچ الفتی ندارند. این امر با منافع مردم عادی روآندا تناقض آشکار دارد.

مبارزه به خاطر...

کشتارهای از قبل طراحی و هماهنگ شده توسط میلیشیا و بخش هایی از ارتش بوقوع پیوست.

برخی معتقدند که مرگ رئیس جمهور بهانه ای برای تصفیه یکپارچه کشور از مخالفان بود که طرح آن از قبل آماده شده بود.

«رن دگنی سگوبی»، بازرس سازمان ملل گفته است: «این کشتارها از طریق یک کارزار نفرت و خشونت که توسط رسانه های گروهی نزدیک به دولت هدایت می شد، از قبل برنامه ریزی شده بودند». به گزارش بازرسان سازمان ملل، درست قبل از مرگ رئیس جمهور این اسلحه ها مورد استفاده قرار گرفت. نظامیان مخالف و منجمله وزرای دولت حاکم هوتو سرمه نیستند. نظامیان حاکم با تحریک مردم،



پناهندگان و مهاجران نشانگر تلاش آنان برای تدارک یک تجاوز نظامی وسیع به داخل کشور و سرنگون کردن دولت جدید می باشد. اقدام زییر در جلوگیری از بازگشت پناهندگان به خانه های خود و نیز اصرار فرانسه در نگهداشتن نیروهای نظامی خود در مناطق مرزی مجاور زییر به این احتمال قوت می پخشد.

یک نماینده ویژه دولت ایالات متحده آمریکا اعلام کرده است: «این یک بمب ساعتی است. نظامیان (سابق) روآنادی در همه جا هستند (در گوما). آن ها در تدارک تجاوز به کشور می باشند». دولت های غربی از به رسمیت شناختن دولت جدید «جهه میهنی روآندا» امتناع می کنند و فقط به دادن اعانه بسته کرده اند. پایان دادن به ترازی روآندا که اکنون جان میلیون ها نفر را به مخاطره قرار داده، فقط در چارچوب یک راه حل سیاسی ممکن است. تثیت دولت جهه میهنی که سعی بر پایان درگیری دارد و کمک به بازگشت همه مردم بیگناهی که در مناطق مرزی قربانی وبا، حصبه، انواع بیماری ها و توطئه های جانیان دولت سابق می باشند، تها راه حل دائمی مشکل می باشد، هم اینک، روزانه ۲۰۰۰ نفر از پناهندگان به درون مرزهای زییر در نتیجه شرایط غیرقابل تحمل زندگی، از گرسنگی و بیماریهای خطربناک جان می دهد. بطوریکه امکان دفن این قربانیان وجود ندارد. باید به خاتمه داد.

علی رغم تنفس قاطع موازنہ قدرت در کشور و بدست گیری قدرت از سوی «جهه میهنی روآندا»، موج مرگ و میر در مناطق مرزی کشور ادامه دارد. شیوع شبه وبا و مرگ هزاران نفر از مردمی که از وحشت موج ترور و خشونت حاکم بر کشور به مناطق همجوار مرز زییر فرار کرده اند، به ترازی روآندا ابعاد بی سابقه داده است.

در هفته پایانی تیرماه، بدنبال کنترل تمامی مناطق کیگالی، پایتخت روآندا و فرار سران جانی دولت سابق و عقب نشینی نیروهای نظامی و شبه نظامی وابسته به آن، نیروهای «جهه میهنی روآندا» دولت خود را تشکیل دادند. در ۲۸ تیرماه رئیس جمهور جدید، پاستور بیزی مونگو سوگند وفاداری یاد کرد و نخست وزیر جدید، فواستین توآگیری مونگو دولت خود را در کیگالی تشکیل داد. هم رئیس جمهور و هم نخست وزیر از قبیله هوتو می باشند و این خود اثباتی بر مدعای جهه میهنی می باشد که در صدد تشکیل یک دولت همه گیر اتحاد ملی است. دولت جدید خواستار بازگشت میلیون ها نفر از مردمی است که بدلیل وحشت از انتقامجویی و موج ترور های قومی به مرزهای کشور گریخته اند.

نشانه های فراوانی وجود دارد که مخالف وابسته به دولت سابق و ایستگاههای رادیویی غیررسمی وابسته به آنان، هنوز هم با استفاده از تبلیغات کیهه توزانه و قوم گرایانه سعی به ترساندن مردم و واداشتن آن ها به ترک محل کار و زندگی و کوچاندن آنان به مناطق مرزی دارند. فعالیت شدید رهبران دولت سابق و نظامیان وابسته به آنان در میان

خونزی های خشونت بار ۱۹۵۹ به مهاجرت مجبور شدند، ادامه دارد، و همین امر کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است. سیستم حاکم در رواندا در دهه های اخیر، مبتنی بر سپردن همه قدرت در دست رئیس جمهور بوده است، که هیچکس قدرت مقابله با او را ندارد و در مقابل هیچکس پاسخگو نیست.

در مقابل، برنامه «جهه میهنی رواندا» برایه هشت نکته روش بنیانگذاری شده است. این نکات عمدتاً شامل استقرار وحدت ملی، دموکراسی و امنیت برای همه مردم رواندا، حتی آنها بی که مجبور به مهاجرت از کشور شده اند. «جهه میهنی رواندا» پس از سال ها مبارزه مسلحه وزرای پیشین دولت مرکزی مورد حمایت قرار گرفت، دولت را مجبور به قبول شرکت در مذاکرات صلح نمود. پس از یک سری آغازهای ناموفق، عاقبت در روز ۴ آگوست سال ۱۹۹۳ مصالحه ای تحت عنوان موافقنامه «آروشا» به امضا رسید. دولت مرکزی که در سال های اخیر مورد حمایت فرانسه بوده است و حامیان آن هیچگاه به موافقنامه «آروشا» علاوه ای نشان ندادند، ولی بدليل فشار بین المللی، بویژه از سوی «سازمان وحدت آفریقا»، مجبور شدند بصورت رسمی آن را قبول کنند. علی رغم پیشرفت محدود در اجرای این موافقنامه، یکی از آشکارترین موارد نقض آن تحویل مقداری متباهی اسلحه از سوی کشورهایی نظیر آفریقای جنوبی تحت رژیم آپارتاید، مصر و فرانسه به دولت مرکزی بوده است. رئیس جمهور وقت کشور، پرزیدنت «جویل هابی آریانا» همچنین اقدام به تشكیل میلیشیای غیر قانونی نمود و راندارم های خود را به توبخانه سنگین مسلح نمود.

روز ۶ آوریل امسال، پرزیدنت در جریان سقوط هواییماهای خود، که مورد اصابت موشک قرار گرفته بود، کشته شد. براساس گزارش بازرسان رسمی سازمان ملل، یک سری ادامه در ص

مبارزه به خاطر استقرار نظام قانونی در رواندا

وروود نیروهای نظامی فرانسه به رواندا تحت عنوان محافظت از جان مردم این کشور و اقدام شورای امنیت سازمان ملل در مشروعیت بخشیدن به این اقدام امپریالیسم فرانسه که سابقه طولانی و رسوایی در استثمار خلق های آفریقا داشته است، بخودی خود افشاگر ژرفای فاجعه این کشور است که مطبوعات سرمایه داری حاضر به سخن کفنه درباره آن نیستند. «جهه میهنی رواندا» این عمل فرانسه را محکوم کرده و آن را کوششی در جهت حفظ دولت نظامی سابق در قدرت داشته است. ترقیخواهان آفریقا نیز سرنوشت این اقدام را متفاوت با ماجراجویی نظامی امپریالیسم آمریکا در سومالی نمی دانند و به نکوهش دولت فرانسه پرداخته اند. نگاهی به زمینه های تاریخی رواندا، کمک فراوانی به درک رخدادهای پنرغ این کشور و اتخاذ موضع صحیح در رابطه با آن می غاید.

گروه کوچکی از شکارچیان و سفالگران و کوزه گران را تشکیل می دهد. با این وجود، معرفی «توتسی» ها بعنوان گروه حاکم بر رواندا پایه عینی ندارد. در حقیقت یک اقلیت معدودی از «توتسی» ها به نخبگان تعلق داشتند. اکثریت «توتسی» ها فقیر بوده و از سیستم حاکم بهره ناچیزی داشتند.

در قرن اخیر، قدرت های استعماری، ابتدا آلمان و سپس بلژیک، یک سیستم حکومت غیر مستقیم را دایر نمودند. آن ها از طریق سلطنت و نهادهای وابسته به آن، سلطه خود را اعمال می کردند.

زمانیکه نمایندگان ملی سخن از استقلال آغاز کردند، دولت استعماری بلژیک که خود را مغبون می شمرد، شروع به تشویق گروه های «هوتو» برای مقابله با آریستوکراسی حاکم نمود. «حزب آزادی خلق هوتو» با حمایت ضمیمی بلژیک پایه گذاری شد. شعار این حزب «آزادی حلا، استقلال بعدا» بود که در آن زمان مورد مخالفت حزب سلطنتی حاکم قرار گرفت. این حزب با راه انداختن «انقلاب ۱۹۵۹» با مشخصه های خشونت یکپارچه در دهه های اخیر، حیات رواندا را بطور ویژه ای در چنگال خود گرفت. هنوز سیل پناهندگانی که از وحشت

غالباً برخوردهای خونین رواندا بعنوان یک درگیری بین گروه قومی توصیف می شود و برخورد رسانه های گروهی با تحولات اخیر این کشور برایه این افسانه تنظیم می شود که گویا بین این دو گروه تنفرو دشمنی صدها ساله وجود داشته است. تصویر جنگ داخلی این کشور در قالب درگیری دولت مرکزی هوتو و «جهه میهنی توتسی» عمل از زمینه های واقعی رخدادهای این کشور را از انتظار دور نگاه می دارد.

دیر کل «جهه میهنی رواندا»، «توتسی» روداسیگاً اعلام کرده است که هدف جبهه برقراری یک دولت زیر کنترل «توتسی» ها نیست، که جایگزین مقامات نظامی دولت کوئی بشود. او گفت: «هدف استقرار قانون و نظم است».

در رواندا سه گروه متمایز وجود دارند «هوتو»، «توا» و «توتسی» که همه آن ها به یک ملت بنام «بنی رواندا» تعلق دارند. جامعه رواندا بخوبی ویژه ای لایه بندی شده و ساختار «کاست» دارد. در این لایه بندی، خانواده سلطنتی، فرماندهان نظامی، روسا و دامداران ثروتمند همه «توتسی» بوده اند. برخی از روسا و مردمی که از طریق زراعت زندگی خود را می گذرانند به «هوتو» تعلق داشتند و «توا» فقط

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

یانوش ۲۰۰ مارک	جمعی از رفقا ۵۰۰ مارک
----------------------	-----------------------------

رفقا، دوستان و هواداران حزب می توانند بروای تماس با حزب از
شماره فاکس: ۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ - ۰۰
استفاده نهایند.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

NO ; 433

August 2 , 1994

نامه

مردم